

وقایع افغانستان از 2001 تا 2014 میلادی

(بخش 44)

دو رویداد در دو سوی خط " دیورند "

فراری دادن زندانیان

در شب و روزیکه این سطور تحت نگارش بودند، دو رویداد مهم در افغانستان و پاکستان به وقوع پیوست که بجا خواهد بود هر دو رویداد در اینجا درج گردند: رویداد نخست این بود که به روز دوشنبه مورخ پنجم ماه ثور سال 1390 خورشیدی، به تعداد پنجد و چهل و هفت تن اعضا و سر گروههای گروه طالبان که در جریان عملیات انفجاری و اقدامات مسلحانه علیه شهروندان افغانستان و یا اشخاص و نهاد های دولتی دستگیر و زندانی شده بودند، با حفرتونل سه صد و پنجاه متری زیر زمینی، از زندان مرکزی شهر قندهار، بگونه کاملاً موفقانه فرار نمودند. یک منبع گروه مذکور اعلام نمود که آغاز و انجام کار حفریات، مدت پنج ماه را احتوا نمود. جالب این بود که ظرف مدت پنج ماه، ظاهراً هیچ یک از مؤلفین امنیتی شهر قندهار از این اقدام بیسابقه آگاه نشدند. اما، منابع دولتی در کابل گفتند که " برنامه فرار بگونه بسیار فنی و ماهرانه از خارج تنظیم گردیده بود و برخی از مؤلفین امنیتی نیز با فراریان همدست بوده اند. " آگاهان دیگر اظهار داشتند که دست حامد کرزی رییس جمهور و برادر قدرتمند وی (ولی کرزی) در این رویداد دخیل بوده است. زیرا کرزی از مدتیست سیاست طالب گرایانه و سازشکارانه خلاف خواست و تمایل مردم افغانستان را در پیش گرفته است. چنانکه تاحال، محبوسین زیادی از این گروه را به بهانه های مختلف توسط صدور فرامین ریاست جمهوری از بند و زندان رهانیده است .

بن لادن کشته میشود

رویداد دوم این بود که "باراک اوباما" رییس جمهور امریکا به روز دوشنبه دوم ماه می 2011 میلادی، پس از اعلان یک آگاهی قبلی، به صفحه تلویزیون دولتی امریکا ظاهر شده خبرمردگ اسامه بن لادن رهبر سازمان تروریستی القاعده را به سمع مردم امریکا و جهان رسانید و قتل او را یک "پیروزی بزرگ" برای ایالات متحده خواند. وی متذکر شد که محل اختفای اسامه از مدتی بدینسو تحت نظر ماموران استخباراتی آن کشور قرار داشت. قرار گزارشهای رسمی، اسامه در میان عمارتی "مجلل" سه طبقه‌ی، واقع در چند ده کیلو متری اسلام آباد پایتخت پاکستان بنام "ابیت آباد" و در قُرب وجوار بزرگترین مرکز نظامی که در آن مجمع تسلیحات اتمی و اکادمی امور استخباراتی پاکستان نیز موقعیت دارد، بسر می‌برده است. "لیون پنیتا" رییس سازمان سیا متعاقباً گفت که "در مورد عملیات علیه بن لادن، به مقام های پاکستانی اطلاع نداده بودند، زیرا هرگونه اطلاع به پاکستان، میتواندست این ماموریت را به خطر مواجه سازد." او افزود که: "از اطلاع دادن به حکومت پاکستان در مورد عملیات علیه اسامه بن لادن خود داری شده بود؛ زیرا هراس داشتند که شاید پاکستانی ها از این مساله به بن لادن خبر دهند."

مقام های امریکایی همچنان علاوه نمودند که عملیات هجوم بالای مخفیگاه اسامه و قتل او را یک تیم سی و شش نفره از کماندو های امریکایی که خوب ترین تمرین ها را دیده بودند، بصورت سری و برق آسا انجام دادند. هر چند جانب امریکا در عین زمان اعلام نمود که به تعداد بیست تن دیگر نیز که با اسامه در یک عمارت میزیستند، به قتل رسیدند، اما بعداً نه در آن مورد تبصره بیشتر صورت گرفت و نه هویت آنها افشا گردید. ضمناً، افواهات میرسانیدند که تعداد زیادی از افسران و سربازان پاکستانی که وظیفه حراست از اسامه و همکاران نزدیک او را بعهده داشتند، نیز در اثر این عملیات کشته شده اند. متعاقباً اعلام شد که اوباما، با تیم کماندویی دیدار بعمل آورده آنها را بخاطر عملیات موفقیت آمیز شان مورد تحسین قرار داد. اما آنچه در این میان، موجب شک و تردید برخی از افراد و گروه های

باریک بین در پاکستان و سایر مناطق جهان گردید، این بود که مقام های امریکایی، فلم یا سند روشن و قابل پذیرشی از جسد بی روح اسامه را منتشر نکرده گفتند که جسد او را به امواج بحرسپردند تا خوراک ماهی ها شود. این سخن امریکایی ها، شک و تردید هایی را نزد عده یی از مردم جهان بار آورد.

سال چهارم این به اصطلاح قتل بن لادن، یعنی ماه دسمبر سال 2015م بود که " جستن ترودو" صدراعظم جوان کانادا، طی یک گفت و گو با روزنامه " هات گلوبال نیوز" اظهار داشت " اسنادی در اختیار دارد که نشان میدهد اسامه بن لادن تا سال 2013م هنوز زنده بوده با دریافت ماهیانه مبلغ یکصد هزار دالر از طرف (سی.آی.ای)، در ایالت بهاماس امریکا با پنج زن و تعداد زیادی از فرزندانش بسر میبرد و مرگ وی {در ماه می سال 2011م} بصورت دروغین از سوی سی.آی.ای پخش گردید."

انتشار خبر مرگ بن لادن اگرچه برای امریکایی ها، مردم افغانستان و شاید ملیونها انسان جهان مایه مسرت گردید، ولی در داخل پاکستان، اثرات منفی دو جانبه و یا چند جانبه یی از خود بجا گذاشت. مثلاً، اعضا و رهبران احزاب اسلامی، منسوبین مدارس مذهبی و طبعاً بخشهای بزرگی از تندروان اسلامی پاکستان به شمول بخشهای بزرگی از نظامیان آن کشور، نه تنها مرگ اسامه را ماتم گرفتند و برای یکدیگر تسلیت گفتند؛ بلکه حکومت پاکستان را بخاطر آنکه چرا به کماندو های امریکایی اجازه داده تا چنین عملیات را در داخل خاک پاکستان انجام دهند، مورد نفرت و ملامت قرار دادند.

در عین حال، آصف علی زرداری رییس جمهور آن کشور رسماً اعلام نمود که حکومت پاکستان نه از این اقدام امریکا اطلاع قبلی داشته و نه در آن سهم گرفته است. این اظهارات، آنهم از طرف شخص اول مملکت، منسوبین حکومتی، بخصوص نظامیان و افسران (آی.اس.آی) را نزد ملت پاکستان بی اعتبار نموده مایه شرمساری آنها گردید، همانطور که اثبات موجودیت رهبر تروریستی القاعده در مخفیگاه ارتش پاکستان نیز موجبات شرمساری

جهانی مقام های پاکستانی را فراهم آورد. علاوهً اسنادیکه پسانها از ایمیل شرکت "استراتفور" که مربوط به گروه امنیتی ایالات متحده آمریکا میباشد، توسط دارنده وبسایت "ویکیلیکس" بدست آمد، نشان داد که اسامه در دوران اختفایش با دوازده تن از مقام های شبکه استخبارات ارتش پاکستان (آی.اس.آی) در ارتباط نزدیک بوده است که اینهم مایه رسوایی بیشتر پاکستانی ها شد. پسانها، گزارشها و اظهارات مستند زیادی در این ارتباط به نشر رسیدند. از آن جمله، مثلاً، وبسایت موسسه جیمزتاون امریکا نوشت: "جنرال ضیا الدین بت" که مدتی در مقام ستاد ارتش پاکستان نیز مشغول بکار بود، اظهار داشت که استخبارات نظامی پاکستان اسامه بن لادن را در مرکز مربوط به آن سازمان در ایبیت آباد پنهان نموده بود که این کار از جانب جنرال حجاز شاه رییس سابق آی. اس. آی صورت گرفت و شخص پرویز مشرف رییس جمهور نیز از آن آگاهی داشت..."

تقریباً سه سال از مرگ اسامه سپری شده بود که خبرگزاری اسوشیتدپرس از قول " کارلوتاگال " نویسنده کتاب " دشمن اشتباه آمریکا در افغانستان 2001-2014 " نوشت که " سرویس اطلاعاتی پاکستان {آی. اس. آی} یک اداره ویژه داشته مخصوص برای بن لادن. این نیرو ها بطور مستقل عمل میکردند و تحت هدایت یکی از افسران پاکستانی بودند که اختیار تصمیم گیری داشت و مجبور نبود به مافوق خود گزارش دهد. وظیفه او فقط یک چیز بود؛ بن لادن .. اسناد کشف شده در خانه بن لادن حاکی از تماس های دایم میان برخی رهبران خاص شبه نظامیان ساکن در پاکستان، از جمله، حافظ محمد سعید بنیانگذار گروه لشکر طیبه، گروه حامی کشمیر و فعال در افغانستان و ملا عمر رهبر طالبان و دو رهبر وفادار به سازمان امنیتی پاکستان است "

همچنان، جنرال اسد درانی رییس سابق آی.اس.آی، طی یک مصاحبه با کانادل تلویزیونی الجزیره با صراحت اظهار داشت که " پاکستان به احتمال بسیار قوی، در عملیات دستگیری اسامه بن لادن رهبر القاعده در سال 2011م، از مخفیگاه وی اطلاع داشته است ."

رییس سابق استخبارات نظامی پاکستان در این مصاحبه علاوه نمود که: " زمانی که شما شخصی مانند اسامه بن لادن را در اختیار دارید، مسلم است که به این راحتی وی را به امریکا تحویل نمیدهد. بنابراین، ما هم اطلاعات در مورد مخفیگاه رهبر القاعده را با واشنگتن معامله کردیم... مردم این

کشور کم کم از تباری های دولت اسلام آباد با واشنگتن و حضور بن لادن در پاکستان به تنگ آمده بودند...

اگر این سخنان رییس سابق استخبارات پاکستان مؤثق باشد، پاکستانی ها اسامه را مانند سایر رهبران و سردسته های تروریسم، بروفق یک برنامه سنجیده شد و باجگیرانه، مدت بیشتر از ده سال در زیر پر و بال امنیتی خویش نگهداشته بودند و معلوم نشد که در برابر معامله روی سرنوشت اسامه بن لادن، چه مقدار باج و خراج از مقام های امریکایی بدست آورده باشند؟ و اما اگر در این زمینه معامله بی درکار نبوده امریکایی ها خودشان و بدون اطلاع قبلی نظامیان پاکستان دست بکار شده باشند، پس تیردغلبازان آی.اس.آی به خاک اصابت کرده است .

وبسایت " انتی وار " نیز بتاريخ نهم ماه مارچ 2014م نوشت که : " پس از کشته شدن بن لادن، پاکستان داشتن هر نوع معلومات راجع به محل اقامت وی را به سختی رد کرد، در حالیکه مهم ترین تروریست مورد تعقیب جهان، در یک محل نه چندان دور از اکادمی نظامی پاکستاندر ایبت آباد می زیست "

روزنامه نیویارک تایمز از قول " کارلوتا گال " ژورنالیست سابقه دار خویش که مدت بیشتر از یکدهه را بعنوان گزارشگر در افغانستان و پاکستان سپری نموده بود، نوشت که " نه تنها پاکستان از حضور بن لادن { در ایبت آباد } مطلع بود، بلکه عملاً از اونگهداری نیز میکرد. حکومت امریکا میداند که آنها میدانستند و پاکستانی ها هم میدانند که میدانستند. "

وبسایت "پیام روز" به تاریخ 22 ماه میزان سال 1394 خورشیدی به نقل از یک مقام سابق دفاعی پاکستان نوشت که " رهبران نظامی و غیرنظامی کشورش میدانستند که بن لادن در سال 2011 و قبل از آن در این کشور بوده است. "

روزنامه واشنگتن پُست نیز نوشت که " این یک راز آشکار است که عناصر داخل دستگاه نظامی و سیاسی پاکستان از مکان بن لادن اطلاع داشته اند و حتی ممکن است جایگاه امنی را

برای او درسالهای بعد از حمله آمریکا به افغانستان و جهانی علیه القاعده فراهم آورده بودند.

وبسایت "پیام روز" از قول چوهدری احمد مختار وزیر دفاع سابق پاکستان (2008 تا 2012) نوشت که " پاکستان میدانسته بن لادن درپاکستان بوده است... افرادی که بخشی از کل این اقدامات بودند شامل رییس جمهورپاکستان، رییس نیرو های مسلح، لوی درستیز و افراد استخباراتی بودند که همگی فعال شده بودند و منتظر دستور بودند تا باتیم های خود بیرون بیایند و تمامی معلومات را که میدانند ارائه کنند. "

این تنها نبود. مقام های امریکایی، ازاینکه حکومت پاکستان از رهبرتروریسم جهانی و عامل اصلی انفجارات یازدهم سپتامبر 2001م درنیویارک، آگاهانه و پنهانی نگهداری میکرده است، ظاهرآخشمگین گردیده در رابطه با آن کشور، به نتایج سیاسی تازه یی رسیدند. درعین حال، آگاهان سیاسی اظهاراتی نیز بعمل آوردند مبنی براینکه مقام های حکومتی پاکستان، با در نظر داشت فشار های عدیده یی که از جانب کاخ سفید متحمل شده بودند و ضمناً بخاطر جلوگیری از خطرات احتمالی از جانب ابرقدرت امریکا و شاید هم به منظور اخاذی بیشتر از حکومت امریکا، درحقیقت، اسامه را که در اختیار داشتند، در جریان یک معامله مخفی و مصلحتی برای امریکا فروخته باشند. جالب این بود که گزارش های تاریخی بیست و پنج ماه جوزای سال 1390 خورشیدی منابع مختلف غربی افشا نمودند که مقام های حکومت پاکستان، پنج تن اتباع آن کشور به شمول یک داکتر به نام " شکیل افریدی" و یک افسر نظامی را که به قول حکومت آن کشور، راپور مخفیگاه اسامه بن لادن و نمبرپلیت موترهایی را که به این محل دررفت و آمد بودند، به منبع (سی.آی.ای) ارائه نموده بودند، دستگیر نمودند. اما گزارشها، بخصوص در مورد " داکترشکیل افریدی " که گویا در خدمت " سی. آی. ای" قرار داشته و با بدست آوردن " دی.ان.ای " افراد خانواده بن لادن به وسیله واکسن علیه فلج اطفال، مخفیگاه او را برای امریکایی افشا نموده بود، تبصره های رسمی

زیادی صورت گرفت. مطبوعات پاکستان بعداً گفتند که داکترشکیل افریدی از سوی یک دادگاه پاکستانی به سی و سه سال حبس و پرداخت سه هزار و سه صد یورو محکوم گردید.

همچنان، بتاريخ بیست و دوم ماه جوزای 1390 خورشیدی، " لیون پانیتا" رییس سازمان مرکزی استخبارات امریکا (سی.آی.ای) سفر آئی بی به اسلام آباد انجام داده و پس از ورود به این شهر، با اشفاق کیانی فرمانده عمومی ارتش پاکستان و جنرال شجاع پاشا رییس (آی.اس.آی) آن کشور مذاکره نمود. گزارش های منتشرشده این نکته را نیز وضاحت دادند که " لیون پانیتا" در این سفر، یک ویدیو کست مستند نیز با خود داشت که نشان میداد یکتعداد از طالبان پاکستانی، مشغول تخلیه دو کارخانه تولید بم در وزیرستان شمالی هستند. باساس ملاحظه این ویدیوکست، عمل تخلیه در صورتی انجام داده میشود که مقام های امریکایی با کشف این محل و قبل از آنکه کارخانه های مذکور را بمباران نمایند، موضوع را به مقام های پاکستانی مطرح کرده بودند. یا بعبارۀ دیگر، قبل از آنکه نیروی هوایی امریکا اقدام به نابود سازی فابریکه های متذکره نمایند، حکومت پاکستان گروه طالبان را در جریان گذاشته بودند.

درعین حال، خبرگزاری اسوشیتد پرس در اوایل ماه نوامبر 2013م افشا نمود که " یک تاجرشصت و سه ساله امریکایی بنام " تام لی " میگوید او سالها پیش از کشته شدن اسامه بن لادن، محل سکونت وی را در پاکستان به مقامات استخباراتی امریکا گفته بود و اکنون در جست و جوی جایزه بیست و پنج ملیون دالری اش است" درگزارش خبرگزاری مذکور آمده بود که " یک مامور استخبارات پاکستان به " لی " گفته بود که بن لادن و خانواده اش را از پشاور تا ابیت آباد همراهی کرده است ، " تام لی " این اطلاعات را با ماموران گمرک و اف.بی.آی در میان گذاشته بود " گزارش از قول " لی " افزوده بود : " این باعث آزار من میشود و باید باعث آزار هر امریکایی شود که من در سال 2003 دقیقاً گفتم بن لادن کجا بود و آنها به او اجازه دادند هشت سال دیگر در آنجا زنده گی کند..."

این فتنه انگیزی های جانبِ پاکستانی تنها نبود. در ماه های اول سال 2011 میلادی، گزارش هایی در مطبوعات افغانستان به نشر رسیدند مبنی بر اینکه مناطقی در ولایت ننگرهار، کنر و نواحی مرزی افغانستان، به کرات توسط موشکهای ارتش پاکستان کوبیده شده و ده ها نفر را بکام مرگ سپرده اند که در هر مرتبه، دولت افغانستان به رهبری حامد کرزی، این سلسله از تجاوزهای نظامی و کشتار اهالی بیگناه ولایات متذکره را نا دیده انگاشته هیچ اقدام مؤثر تبلیغاتی، حقوقی و دیپلماتیک علیه پاکستان انجام نداد. (موضوع مربوط به تجاوز موشکی پاکستان علیه افغانستان، بصورت مفصل در فصل نهم این اثر گنجانیده شده است). این سکوت، مماشات و عدم احساس مسوولیت جانب دولت افغانستان در برابر تجاوز ها، مداخله ها، ترورها، انفجارهای انتحاری و کشتار همه روزه مردم افغانستان توسط تروریستهای فرستاده شده از ما و رای سرحد، تا آنجا ادامه پیدا کرد که حتا " سراج الدین حقانی" سرکرده گروه تروریستی شبکه حقانی در وزیرستان شمالی، به تاریخ بیست و هشتم ماه جوزای 1390 خورشیدی، با بی حیایی تمام به دولت افغانستان اخطار صادر نمود که از اعدام تروریست دستگیر شده بنام " زر عجم " قاتلِ چهل تن از هموطنان عزیز ما در شهر جلال آباد که هزاران نفر فلم مستند جریان کشتار عام را مشاهده نمودند، صرف نظر نماید و الا، چنین و چنان خواهند نمود. جریان از این قرار بود که در ماه حوت سال 1390 خورشیدی، قاتل که تبعه پاکستان و عضو گروه تروریستی حقانی بوده و خودش را ملبس با یونیفورم عسکری و مسلح با تفنگ نموده بود، به شعبه کابل بانک در شهر جلال آباد داخل شده با خونسردی و قساوت عجیبی بالای تک تک مراجعین بانک مذکور شلیک میکرد و آنها را از پا در می آورد. وقتی هم که دستگیر شد و از وی تحقیق بعمل آمد، با صراحت اظهار داشت که از کشتن افغانها لذت میبرده است. (یا علی العجب!)

پیامد قتل بن لادن در پاکستان

پاکستانی ها که در بکارگیری دیپلماسی و تاکتیک های سیاسی - استعماری ید طولا دارند، علی رغم آنهمه افشا شدنها و رسوایی های بین المللی که نصیب شان شده بود، بجای آنکه از این رهگذر مستأصل و شرمسار بوده از مردم و کشورهای جهان و بخصوص از مردم امریکا پوزش خواهی نمایند، ظاهراً بنام اینکه " امریکا با حمله به اقامتگاه اسامه بن لادن، حریم هوایی و حاکمیت ملی پاکستان را نقض کرده است" ، از کاخ سفید خواستند تا شمار نظامیان (کماندویی) و افراد استخباراتی اش را از شهرهای کویته و پشاور خارج نماید. چنانکه " لاس انجلس تایمز" چاپ امریکا نوشت که مقام های امریکا این درخواست را پذیرفته و " قطعات اردوی امریکا از سه سایت استخباراتی خارج شده و مراکز مربوطه را تخلیه کرده اند.

هرگاه هر حکومت دیگری بجای حکومت پاکستان می بود که در کار پناه دهی به سر دسته تروریسم جهانی، دروغ پردازی های شاخدار و خیانت بحق مردم دنیا افشا شده بود، حتماً از سوی امریکا و متحدان بین المللی آن مورد سرزنش قرار میگرفت؛ ولی کاخ سفید، علی رغم آنهمه دو رویی و جنایت، باز هم تقاضا های حکومت پاکستان را پذیرفت و هیچگونه تعزیر یا مجازات علیه آن وضع نکرد.

ماجرای دیگر در لاهور

متعاقب این فعل و انفعال نظامی - استخباراتی در پاکستان، یکی از اجنت های اطلاعاتی امریکا بنام " ریموند دیویز " عضو شبکه سی آی ای، عنصر واحد عملیاتی وزارت دفاع امریکا و ظاهراً کارمند کنسولگری آن کشور در شهر لاهور، مؤظف شده بود تا در زیر پوشش های مختلف در ارتباط با شبکه تروریستی " لشکر طیبه " و تعلقات آن با سازمان اطلاعاتی ارتش پاکستان (آی.اس.آی) و موضوعات خاص دیگر کار کند و او هم، با غرور و بیباکی تمام به فعالیت می پرداخت. عاقبت، به روز بیست و هفتم ماه جنوری 2011م که " ریموند " توسط دو عضو آی.اس.آی موترسایکل سوار تعقیب میشد، به منظور رهایی از تعقیب اجنت های اطلاعاتی، با شلیک گلوله، آن دو جاسوس پاکستانی را از پا درآورد و یکتن پاکستانی

دیگر نیز توسط موتر بخش "سی.آی.ای" که غرض نجات " ریموند " می شتافت، کشته شد. این رویداد، علاوه از آنکه برای مدتی در پاکستان خبرساز شد و اعتراض های دامنه دار حلقات سیاسی - مذهبی آن کشور را برانگیخت، بالاخره، با پرداخت وجه دوا عشریه چهار میلیون دالر خونبها، از قید رست و بتاریخ شانزدهم ماه مارچ همانسال به امریکا پرواز نمود.

به سلسله چنین فعل و انفعال سیاسی - دیپلماتیک و " شکر رنجی " های نوکر و ارباب، مقام های پاکستانی از امریکایی ها خواستند تا میدان هوایی (شمسی) واقع در بلوچستان را که طیاره های اکتشافی و شکاری بدون پیلوت آن کشور، از آن علیه مواضع طالبان پاکستانی استفاده میکردند، تخلیه نمایند، مقام های امریکایی، پس از یک سلسله تماسها و تعلل ها، میدان متذکره را تخلیه نمودند. (ادامه دارد)